یک کارشناس: نهادسازی‌های بی‌فایده شأنیت تصمیم‌گیران را زیر سوال می‌برد

ورود یک قرارگاه نظارتی جدید به بازارهای بیقرار!

رامتین موثق

ماه‌هاست که در ایران تورم بیداد می‌کند و بازار کالاهای اساسی و بازارهای مالی، در تلاطم قیمتی هستند و البته روند افزایشی داشته‌اند.

برخی منتقدان و صاحب‌نظران معتقدند که دولت در این افزایش قیمت نقش داشته است اما گروهی دیگر از منظر دیگری اعتقاد دارند که ابزارهای دولت، و به خصوص بانک مرکزی، در برخورد با تورم و التهابات بازارها کافی نیست. در این میان، وزیر دادگستری نیز از ایجاد قرارگاهی برای نظارت جامع بر بازارها خبر داده است!

این اولین باری نیست که قرارگاه یا نهادی برای نظارت بر بازار ایجاد می‌شود و از این قبیل نهادها در کشور، بسیار است. بسیاری از تحلیلگران عنوان می‌کنند این شیوه نگرش ریشه در همان دیدگاه «پلیسی» نسبت به اقتصاد دارد. سابقه داشته است که برای برخورد با افزایش قیمت در بازار دلار، اقدامات پلیسی نظیر دستگیری دلالان بازار و... صورت گرفته است اما تاکنون هیچ نتیجه‌ای نداده و اقتصاد به راه خود رفته است.

در گزارش امروز «توسعه ایرانی»، به بررسی این شیوه نگرش به اقتصاد، و به خصوص بازارها و تورم پرداخته شده است.

پیام الیاس کردی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»: دخالت‌های بدون فایده در بازارها، شانیت دولت را زیر سوال می‌برد. دولت در کارهایی دخالت می‌کند که اصلا ضرورتی ندارد و برای مثال می‌توان بسیاری از مشکلات را با نرخ‌گذاری صحیح، حل کرد زیرا در تجربه ثابت شده است که احتمال درگیر شدن اقتصاد دستوری با فساد، بالاست!

با چندین نهاد و قرارگاه روبه‌رو هستیم؟

برای بررسی این روند ابتدا باید درباره تعدد قرارگاه و نهادهای نظارتی اطلاع داشت. در آخرین اخبار، در تاریخ ۲۶ مرداد، تشکیل «قرارگاه فرماندهی نظارت و بازرسی بر بازار» و اجرای آن در تمامی استان‌های کشور با دستور وزیر دادگستری ابلاغ و لازم‌الاجرا شد. به گفته وزیر دادگستری، «تشکیل این قرارگاه به معنای ایجاد ساختار جدید یا افزایش هزینه‌های اجرایی نیست، بلکه هدف آن بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های موجود دستگاه‌های نظارتی از جمله وزارت صمت، وزارت جهاد کشاورزی، اصناف و سایر نهادهای مرتبط برای صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان و ساماندهی بازار است.»

باید توجه کرد که در ابتدا «سازمان تعزیرات حکومتی» چنین نقشی را بازی می‌کند. وزارتخانه‌های مربوط نیز نهادهای نظارتی دارند که «سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان» و «شورای رقابت» از نمونه این نهادهای مرتبط با وزارت صمت هستند. در ضمن مهمترین نهادی که باید مشغول به پایش بازارهای مالی باشد و وظیفه اصلی آن، صیانت از ارزش پول ملی است، بانک مرکزی است که عملکرد این نهاد پولی مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان و اقتصاددانان است.

نهادهایی برای «مسئول‌سازی»

باید پرسید با وجود تعدد چنین نهادهایی، چرا همچنان در بازارها نوسان حاکم است و قیمت‌ها در مسیر افزایش راه خود را می‌روند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت مسئله تورم، فارغ از مسائل عامیانه‌ای چون گران‌فروشی، کم‌فروشی و... است و ریشه در ساختارهای اقتصادسیاسی دارد.

در وهله اول، تورم یک پدیده پولی است که ریشه در افزایش پایه پولی و نقدینگی دارد. در اقتصادی اگر رشد نقدینگی بیش از افزایش حجم واقعی اقتصاد باشد، این پدیده به تورم منجر می‌شود. دیدگاه‌های اقتصادی مختلفی، با روش‌های متفاوت، تاکید دارند که افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، و تورم، نوعی مالیات دولت‌ها از مردم است که قدرت خرید آن‌ها را به نفع طبقات مسلط و حاکم، کاهش می‌دهد. در وهله بعدی، گروهی دیگر از اندیشمندان اقتصادی تورم را مربوط به ساختارهای کلان اقتصادسیاسی می‌دانند که در ایران، ساختار رانتی اقتصاد مورد توجه عموم اقتصاددانان قرار گرفته است.

کارشناس و تحلیلگر بازارها: وقتی دولت مسئول تمام وظایف تولیدکننده، توزیع‌کننده، قیمت‌گذار و مابقی می‌شود، دخالت و کنترل نیز اجتناب‌ناپذیر می‌شود. پس این ایده نظارت قرارگاهی بر اقتصاد و ایجاد نهادهای نظارتی جدید از علاقه به قیمت‌گذاری غیرواقعی، رصد دائمی، زندانی و دادگاهی کردن و مقابله نشات می‌گیرد که جزو الزامات این نگرش و عمل است

در این میان نهادها و قرارگاه‌های جدید قرار است چه نقشی بازی کنند؟ آیا این قرارگاه‌ها تعیین‌کننده اصلی ساختارهای اقتصادی در ایران هستند؟ به نظر می‌رسد این قرارگاه‌ها تنها محلی برای تعریف «مسئولیت» و اشتغالزایی برای حلقه نزدیکان و خواص باشند. برخی بررسی‌ها در ساختار مدیریتی ایران نشان می‌دهد که برخی افراد، در جایگاه‌های مختلفی، نقش‌های مدیریتی و مهم دارند که اولا به تخصص آن‌ها مرتبط نیست و ثانیا، این تعدد پست‌های مدیریتی مربوط به بخش‌هایی است که گاه ارتباطی به هم ندارند و برای مثال، یک فرد در دو جایگاه مختلف، با کارکردهای متفاوت، نقش مدیریتی بازی می‌کند!

با توجه به این مسائل، تشکیل قرارگاه و نهادهای جدید تنها این مزیت را دارد که برخی افراد را در پست‌های مدیریتی و معاونتی بگمارد تا این افراد نیز از مزایا و مواهب این جایگاه‌ها برخوردار شوند؛ بدون اینکه تشکیل این نهادها خروجی مشخصی داشته باشد.

دستکاری نرخ ارز و تورم

همانطور که اشاره شد، برخی کارشناسان اعتقاد دارند تورم پدیده‌ای است که دولت‌ها نقش مهمی در ایجاد آن دارند و گاه نوسانات بازارهای مالی، از سوی خود دولت برای افزایش سود صورت می‌گیرد.

برخی صاحب‌نظران اعتقاد دارند از آنجایی که درآمد دولت دلاری است اما مخارج بودجه ریالی تنظیم می‌شود، بنابراین خود دولت مستقیما از افزایش قیمت دلار منتفع می‌شود و به همین دلیل باید در پای دولت را در نوسانات بازارهای مالی، دید. عرضه ۵۰۰ میلیون دلار اسکناسی در روزهای اخیر نشان از همین روند دارد زیرا دقیقا در روزهایی که قیمت دلار جهش شدیدی داشت، دولت دلارهایی را عرضه کرد که تفاوتِ قیمتی چندانی با نرخ بازار آزاد نداشتند.

در این خصوص، عبدالمجید شیخی، کارشناس بازارهای مالی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرده است: «افزایش نرخ تورم ناشی از حذف ارز و دستکاری نرخ ارز است. زمانی که نرخ ارز توسط دولت و بانک مرکزی در سطوح بالا قیمت‌گذاری می‌شود، در واقع ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند و این مسئله به کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود.»

او با تاکید بر اینکه با نرخ ارز و نحوه قیمت‌گذاری آن از سوی مقامات پولی، تاثیر مستقیمی بر قدرت خرید مردم و ارزش پول ملی دارد، درباره این روند یادآور شد: «در سال ۱۳۷۴، بالاترین نرخ تورم در سه دهه پس از پیروزی انقلاب اتفاق افتاد. پس از آن، دولت اعلام کرد که نرخ ارز ۳۰۰ تومان است. در سال ۱۳۷۵ قیمت کالاها و خدمات ریزش شدیدی پیدا کرد، به‌طوری که نرخ تورم در این سال به ۲۲ درصد رسید؛ یعنی کمتر از نصف شد. این موضوع یک مثال عینی و تجربی از این مسئله است که نرخ ارز تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست‌های دولت و نحوه مدیریت بازار ارز قرار دارد و کاهش نرخ ارز نیز می‌تواند به کاهش نرخ تورم منجر شود.»

تکلیف اقتصادی خود را نمی‌دانیم

یک کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»، درباره ارزیابی خود از دیدگاه قرارگاهی نسبت به بازارها، اظهار کرد: ما همچنان تکلیف خود را با بازارها مشخص نکرده‌ایم.

پیام الیاس کردی افزود: یکبار برای همیشه باید الگوی اقتصادی خود را تعیین تکلیف کنیم. هرچند اکنون اقتصاد ما بیشترین شباهت را با اقتصاد دستوری و کنترلی دارد.

او عنوان کرد: دخالت و نظارت در این اقتصادها اجتناب‌ناپذیر است. برای مثال اکنون ما حتی آرد را به نانوا هم تخصیص می‌دهیم و باید یک نظارت دائمی بر تمام این روند، یعنی تخصیص آرد به نانوا، توزیع و تولید آرد، توزیع نان بین مردم و... هم داشته باشیم. اگر یکی از چرخه‌ها به درستی کار نکند، کارکرد کلیت چرخه را زیر سوال می‌برد. این تحلیلگر بازارها عنوان داشت: در تجربه ثابت شده است که احتمال زیادی وجود دارد که یکی از این چرخه‌ها درگیر فساد شود. ممکن است در این میان نرخ‌های جذاب‌تری پیشنهاد شود که انگیزه کافی را از بازیگران بازار بگیرد.

الیاس کردی تصریح کرد: وقتی دولت مسئول تمام وظایف تولیدکننده، توزیع‌کننده، قیمت‌گذار و مابقی می‌شود، دخالت و کنترل نیز اجتناب‌ناپذیر می‌شود. پس این ایده نظارت قرارگاهی بر اقتصاد و ایجاد نهادهای نظارتی جدید از این موضوع نشات می‌گیرد که دولت به قیمت‌گذاری غیرواقعی علاقه دارد و رصد دائمی، زندانی کردن و دادگاهی کردن و مقابله، جزو الزامات این شیوه نگرش و عمل است.

وزیر دادگستری از ایجاد قرارگاهی جدید برای نظارت جامع بر بازارها خبر داده است اما نهادها و قرارگاه‌های جدید قرار است چه نقشی بازی کنند؟ در پاسخ باید گفت به نظر می‌رسد این قرارگاه‌ها تنها محلی برای تعریف «مسئولیت» و اشتغالزایی برای حلقه نزدیکان و خواص باشند و این مزیت را دارند که برخی افراد از مزایا و مواهب این جایگاه‌ها برخوردار شوند؛ بدون اینکه تشکیل این نهادها خروجی مشخصی داشته باشد

شانیت دولت زیر سوال می‌رود

او درباره موفق نشدن این شیوه نظارت، بیان داشت: موفق نشدن نظارت‌های دائم بر بازار تنها مختص ایران نیست و هر کشوری که به این سمت رفته، ناکام مانده است.

این کارشناس اقتصادی خاطرنشان کرد: این دخالت‌ها شانیت دولت را هم زیر سوال می‌برد. دولت در کارهایی دخالت می‌کند که اصلا ضرورتی ندارد و برای مثال می‌توان بسیاری از مشکلات را با نرخ‌گذاری صحیح، حل کرد. الیاس کردی در پایان، گفت: البته باید شرایط موجود را هم درک کرد و یک طرفه به قاضی نرفت! وجود نظارت در کشورهای درگیر جنگ، طبیعی است اما واقعیت اینست که قبل از جنگ نیز این رویه وجود داشت و احتمالا اقتصاد دستوری در پس از جنگ هم تداوم یابد.

خبر اقتصادی

تحریم دومین بانک بزرگ روسیه به دلیل ارتباط با ایران

آمریکا بانک «وی‌تی‌بی» روسیه، دومین بانک بزرگ این کشور، را به اتهام کمک به ایران برای دور زدن تحریم‌ها تحریم کرد. به گزارش عصر ایران، وزارت خزانه‌داری آمریکا روز دوشنبه اعلام کرد دفتر کنترل دارایی‌های خارجی این وزارتخانه، بانک وی‌تی‌بی را به دلیل مشارکت در سازوکارهای مالی مرتبط با ایران در فهرست تحریم‌ها قرار داده است. واشنگتن می‌گوید این بانک با ایجاد روابط کارگزاری با بانک‌های تحریم‌شده ایرانی و ایجاد مسیرهای مالی برای گسترش تجارت میان ایران و روسیه، به تهران در مقابله با تحریم‌ها کمک کرده است. گفتنی است، وزارت خزانه‌داری آمریکا به تازگی برنامه جدید فشار اقتصادی بر ایران به نام «طرد اقتصادی» را شروع کرده است. هدف این برنامه، اقدام علیه همه ارتباطات مالی خارجی ایران است.

وزیر اقتصاد:

زیان‌دهی شرکت‌های دولتی باید متوقف شود

وزیر امور اقتصادی و دارایی با تأکید بر ضرورت اصلاح عملکرد شرکت‌های دولتی زیان‌ده، خواستار تقویت سازوکارهای نظارتی، ارتقای بهره‌وری و اصلاح شیوه اداره این شرکت‌ها شد. به گزارش مهر، سیدعلی مدنی‌زاده در مجمع عمومی سالانه سازمان حسابرسی، با اشاره به عزم جدی رئیس‌جمهور برای اصلاح رویه‌های مدیریتی شرکت‌های دولتی، خواستار جمع‌بندی و تقویت گزارش ارائه‌شده درباره تحلیل عملکرد و حسابرسی این شرکت‌ها و ارائه آن همراه با پیشنهادهای اصلاحی به رئیس‌جمهور شد تا موضوع با استفاده از ظرفیت‌های قانونی، با جدیت بیشتری پیگیری شود.

هشدار جدی درباره ال‌نینو:

استان‌ها آماده سیلاب و خشکسالی باشند

مدیر کل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور با اشاره به آثار احتمالی پدیده ال‌نینو بر شرایط اقلیمی کشور، گفت: افزایش میانگین بارش به معنای پایان خشکسالی یا کاهش خطر سیلاب نیست و با توجه به احتمال وقوع بارش‌های حدی، استان‌ها باید همزمان برای مدیریت سیلاب و خشکسالی آمادگی داشته باشند. به گزارش ایسنا، فیروز قاسم‌زاده در نشست تخصصی بررسی پدیده اقلیمی ال‌نینو، توضیح داد: حدود ۴۰ درصد از سال‌هایی که ال‌نینو در ایران حاکم بوده، با خشکسالی همراه شده است و از این رو نباید صرفاً بر اساس پیش‌بینی‌های بلندمدت تصمیم‌گیری کرد.

یک مقام صنفی:

مرز تجاری چذابه همچنان بسته است

رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی ایران اعلام کرد: مرز تجاری چذابه همچنان بسته است و کامیون‌ها در مرز دوغارون برای تجارت با افغانستان نیز با توقف ۱۵ روزه مواجه هستند. به گزارش مهر، احسان ملک‌زاده درباره آخرین وضعیت تجارت جاده‌ای ایران و عراق، اظهار کرد: در مرز خسروی نیز احتمالاً ایستایی کامیون‌ها وجود دارد، اما رفت‌وآمد در این مرز در جریان است. مرز مهران و مرز باشماق نیز باز هستند. قصرشیرین نیز به دلیل اینکه بیشتر حالت بازارچه‌ای دارد، وضعیت متفاوتی دارد، البته این مرز نیز مرز خوبی است. در سایر مرزها تبادل کالا در جریان است، اما حتماً ایستایی پشت مرزها وجود دارد.

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس:

سایپا با حدود ۲۰۰ همت زیان انباشته دیگر شرکت خودروسازی نیست

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس درباره انتصابات اخیر سایپا که حواشی زیادی در پی داشت، گفت: دستگاه‌های نظارتی باید بر انتصابات سایپا نظارت دقیق داشته باشند و سعی شود تا افراد شایسته برای مدیریت‌های این شرکت و شرکت‌های زیرمجموعه آن انتخاب شود. رضا سپهوند در گفت‌وگو با تجارت‌نیوز، با بیان اینکه شرکتی مثل سایپا خود و زیرمجموعه‌هایش بالغ بر ۲۰۰ همت زیان انباشته دارند، عنوان کرد: خود سایپا اعلام کرده است که فقط خود این شرکت خودروسازی ۹۰ همت زیان انباشته دارد. این دیگر خودروسازی نیست، بلکه به‌طوری که خود مدیران این شرکت گفته‌اند، یک بنگاه ورشکسته است.

گزارش

۱۵۳۵ عضویت غیرقانونی در هیأت مدیره‌ها:

پاداش مدیران شرکت‌های زیان‌ده دولتی از جیب مردم پرداخت می‌شود

پرونده شرکت‌های دولتی با دستور تازه رئیس دستگاه قضا وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ از بودجه‌های کلان و نامشخص گرفته تا پرداخت پاداش به مدیران شرکت‌های زیان‌ده و شناسایی ۱۵۳۵ عضویت غیرقانونی در هیأت مدیره‌ها؛ مجموعه‌ای از ابهام‌ها که بار دیگر مسئله شفافیت و نظارت بر این شرکت‌ها را به کانون توجه آورده است.

به گزارش اقتصاد۲۴، شرکت‌های دولتی یکی از پیچیده‌ترین و پرابهام‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران هستند؛ مجموعه‌هایی که از یک سو منابع و دارایی‌های گسترده‌ای در اختیار دارند و از سوی دیگر، درباره نحوه اداره، انتصاب مدیران، میزان دریافتی‌ها و حتی ضرورت ادامه فعالیت برخی از آنها پرسش‌های جدی مطرح است. حالا سخنان تازه محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه، بار دیگر این پرونده قدیمی را به صدر اخبار اقتصادی آورده است. رئیس دستگاه قضا در نشست شورای عالی قوه قضاییه دستور بررسی ویژه و جامع وضعیت شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت را صادر کرد و خواستار آن شد که نحوه هزینه کرد بودجه، میزان سود و زیان، حقوق و پاداش مدیران و اساساً ضرورت ادامه فعالیت آنها مشخص شود. او همچنین از شناسایی هزار و ۵۳۵ عضو هیأت مدیره خبر داد که عضویت آنها مغایر قانون تشخیص داده شده و اعلام کرد برای ۳۵۹ نفر از این افراد که به قانون تمکین نکرده‌اند، پرونده کیفری تشکیل شده است. این اعداد اگرچه در نگاه نخست تنها بخشی از یک پرونده نظارتی به نظر می‌رسند، اما در واقع این پرسش مهم را پیش روی اقتصاد ایران قرار می‌دهند که چرا ساختاری که سال‌هاست درباره ضرورت شفافیت آن صحبت می‌شود، همچنان امکان حضور افراد متعدد در هیأت مدیره شرکت‌های دولتی بر خلاف ضوابط قانونی را فراهم می‌کند؟

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اظهارات محسنی اژه‌ای به حجم عظیم منابعی مربوط می‌شود که در اختیار شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت قرار دارد؛ بودجه‌ای که به گفته او، مجموع آن از بودجه عمومی کل کشور نیز پیشی می‌گیرد. رئیس قوه قضاییه از سازمان بازرسی خواسته است بررسی کند این منابع دقیقاً در چه حوزه‌هایی هزینه می‌شوند و آیا ادامه فعالیت این شرکت‌ها ضرورت دارد یا خیر. سهم شرکت‌های دولتی از منابع و مصارف بودجه کشور بسیار بالاست. برای نمونه، گزارش پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد سهم این شرکت‌ها از بودجه در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به ترتیب حدود ۵۹ و ۵۶ درصد بوده است. همان گزارش می‌گوید از ۳۴۲ شرکت دولتی، بانک و مؤسسه انتفاعی وابسته به دولت در پیوست بودجه سال ۱۴۰۲، ۱۳۴ شرکت رسماً زیان‌ده بوده‌اند؛ بنابراین مسئله فقط چند شرکت یا چند مدیر نیست؛ بحث بر سر بخش عظیمی از منابع ملی است که نحوه کارکرد آن مستقیماً بر بودجه عمومی، سرمایه‌گذاری و در نهایت تورم و سفره خانوارها اثر می‌گذارد.

میدان

افزایش فشار بر زیرساخت‌های عربستان در سایه امتناع واشنگتن از مداخله مستقیم؛

ریاض در برابر یمن، جنگ فرسایشی با پایان باز

رامین پرتو

جنگ یمن وارد مرحله‌ای شده است که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً در چارچوب یک درگیری مرزی میان عربستان و نیروهای انصارالله تحلیل کرد و تحولات اخیر نشان می‌دهد دامنه درگیری از جبهه‌های داخلی یمن عبور کرده و به شکل مستقیم‌تری امنیت سرزمینی، زیرساخت‌های حیاتی و محاسبات اقتصادی و سیاسی عربستان را تحت تأثیر قرار داده است. گزارش‌ها از به صدا درآمدن آژیرهای هشدار در خمیس مشیط، حملات موشکی و پهپادی به مناطق مختلف، انفجار در ابها و توقف عملیات هوایی این فرودگاه حکایت دارد و همزمان، گزارش‌هایی درباره تعلیق پروازها در فرودگاه بین‌المللی ملک فهد در دمام منتشر شده است.

دامنه هشدارها نیز محدود به مناطق جنوبی عربستان نمانده و شهرهایی مانند جده، طائف، ینبع، العلا و حتی مکه را در بر گرفته است. چنین گستردگی جغرافیایی، از نگاه راهبردی، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد فشار نظامی بر ریاض صرفاً با هدف ایجاد خسارت تاکتیکی دنبال نمی‌شود، بلکه می‌تواند با هدف افزایش هزینه‌های امنیتی و اقتصادی و تغییر محاسبات سیاسی عربستان انجام گیرد.

در سوی دیگر، یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، از مقابله با جنگنده‌های تایفون واف-۱۵ سعودی در استان صعده خبر داده و اعلام کرده است که این جنگنده‌ها با موشک‌های پدافندهوایی ساخت داخل مجبور به عقب‌نشینی شده‌اند. همزمان، نیروهای یمنی از عملیات پهپادی علیه یک کاروان نظامی در منطقه العبر حضرموت و هدف قرار دادن مواضع نیروهای وابسته به عربستان در جنوب مأرب خبر داده‌اند.

در مقابل، حملات هوایی عربستان نیز افزایش یافته است. بنا بر ادعای سخنگوی نیروهای مسلح یمن، جنگنده‌های سعودی طی کمتر از ۴۸ ساعت ده‌ها حمله علیه استان‌های تعز، لحج، الجوف، مأرب و حجه انجام داده‌اند. در استان تعز نیز حمله به پل البرح و مناطق ذباب و مقبنه، بنا بر گزارش‌های منتشر شده، به کشته و زخمی شدن شماری از غیرنظامیان، از جمله کودکان، منجر شده است. این روند نشان می‌دهد دو طرف همچنان بر منطق «تشدید در برابر تشدید» حرکت می‌کنند.

پیروزی ریاض در ابهام

مسئله اصلی در عربستان این است که برتری تسلیحاتی لزوماً به معنای دستیابی به پیروزی سیاسی و راهبردی نیست. ریاض در سال‌های گذشته با اتکا به نیروی هوایی، تسلیحات پیشرفته و نیروهای نیابتی تلاش کرده است موازنه را به سود خود تغییر دهد، اما ساختار اجتماعی و جغرافیایی یمن، ظرفیت بالای جنگ نامتقارن و توان انصارالله برای انتقال میدان نبرد به عمق خاک عربستان، این برتری را محدود کرده است.

تجربه جنگ طولانی گذشته نیز نشان داده است که فشار نظامی به‌تنهایی قادر به وادار کردن انصارالله به پذیرش خواسته‌های ریاض نیست. نیروهای یمنی بر خلاف یک ارتش کلاسیک، در محیطی فعالیت می‌کنند که شناخت جغرافیایی، شبکه‌های محلی و توان استفاده از موشک و پهپاد، امکان استمرار مقاومت را برای آنان فراهم می‌کند. از همین رو، حتی افزایش حملات هوایی می‌تواند به جای پایان جنگ، چرخه‌ای تازه از حملات متقابل ایجاد کند.

اهمیت ساحل غربی یمن نیز در این میان تعیین‌کننده است و حالا نیروهای مسلح یمن کنترل المخا و مناطق راهبردی پیرامون باب‌المندب را در اختیار گرفته‌اند. اگر این وضعیت تثبیت شود، فشار بر عربستان تنها نظامی نخواهد بود؛ بلکه به حوزه تجارت دریایی، صادرات نفت و امنیت انرژی نیز سرایت می‌کند. باب‌المندب به دلیل اتصال دریای سرخ به خلیج عدن و مسیر منتهی به کانال سوئز، یک گلوگاه مهم تجارت جهانی است. بنابراین هر گونه اختلال در این مسیر می‌تواند هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیمی برای ریاض ایجاد کند.

از همین منظر، مسئله برای محمدبن سلمان تنها چگونگی ادامه عملیات نظامی نیست، بلکه چگونگی خروج از جنگ بدون پذیرش شکست سیاسی نیز اهمیت دارد. ریاض نمی‌خواهد پس از سال‌ها هزینه نظامی و حمایت از نیروهای نیابتی، نتیجه نهایی جنگ به افزایش نفوذ انصارالله منجر شود؛ اما ادامه جنگ نیز می‌تواند هزینه‌های بیشتری تولید کند.

چرا آمریکا وارد جنگ مستقیم نمی‌شود؟

رفتار واشنگتن یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده در معادله کنونی است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، عربستان از آمریکا درخواست کمک برای مقابله مستقیم‌تر با انصارالله کرده، اما با پاسخ منفی روبه‌رو شده است ولی در عین حال، آمریکا همچنان به ارائه پشتیبانی اطلاعاتی و امنیتی به ریاض ادامه می‌دهد.

این رویکرد را می‌توان نتیجه چند ملاحظه دانست. نخست، واشنگتن در شرایطی قرار ندارد که گشودن یک جبهه جنگی جدید را کم‌هزینه ارزیابی کند. لذا ورود مستقیم به جنگ یمن می‌تواند منابع نظامی آمریکا را بیش از پیش درگیر کند و خطر گسترش جنگ منطقه‌ای را افزایش دهد.

دوم، تجربه گذشته آمریکا در یمن نشان داده است که عملیات نظامی گسترده الزاماً به نتیجه سیاسی پایدار منتهی نمی‌شود. انصارالله نیز بر خلاف گروه‌هایی که صرفاً از طریق عملیات تروریستی تعریف می‌شوند، یک بازیگر سیاسی ـ نظامی ریشه‌دار در ساختار یمن است. بنابراین حذف یا تضعیف نظامی آن بدون ایجاد جایگزین سیاسی قابل قبول، دشوار خواهد بود.

سوم، اینکه واشنگتن احتمالاً ترجیح می‌دهد هزینه دفاع از عربستان را تا حد ممکن به خود ریاض منتقل کند. ارائه اطلاعات، تسلیحات و همکاری امنیتی، امکان حمایت از متحد را فراهم می‌کند، بدون آنکه آمریکا رسماً وارد جنگی شود که پایان آن مشخص نیست. گزارش‌های مطرح‌شده درباره تماس‌های عربستان و اسرائیل با میانجیگری سنتکام نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است؛ یعنی افزایش توان اطلاعاتی و دفاعی ریاض بدون ورود مستقیم آمریکا به میدان نبرد.

بن‌سلمان و پیامدهای ادامه جنگ

به هر ترتیب ادامه این وضعیت برای عربستان سه پیامد اصلی دارد؛ نخست، افزایش هزینه اقتصادی، دوم، تشدید فشار امنیتی و سوم، فرسایش سرمایه سیاسی خواهد بود.

از نظر اقتصادی، هرچه دامنه حملات به زیرساخت‌های انرژی، خطوط انتقال نفت، فرودگاه‌ها و مسیرهای دریایی نزدیک‌تر شود، هزینه تأمین امنیت افزایش می‌یابد. حتی تهدید علیه این زیرساخت‌ها می‌تواند بر اعتماد بازارها و محاسبات سرمایه‌گذاران اثر بگذارد.

از نظر امنیتی نیز گسترش مناطق هشدار از جنوب به مناطق مرکزی و غربی عربستان، تصویری از ناامن شدن عمق راهبردی کشور ایجاد می‌کند. چنین شرایطی برای محمدبن سلمان که تلاش کرده تصویری از عربستانی باثبات، امن و در مسیر توسعه اقتصادی ارائه دهد، یک چالش جدی است و ناامنی مستمر می‌تواند بخشی از برنامه‌های توسعه‌ای و جذب سرمایه را تحت فشار قرار دهد.

در سطح سیاسی، مسئله مهم‌تر است. اگر ریاض بدون دستیابی به دستاورد روشن نظامی از جنگ خارج شود، این پرسش مطرح خواهد شد که چرا سال‌ها هزینه نظامی و سیاسی صرف شد، اما انصارالله همچنان توان حمله و اثرگذاری بر معادلات منطقه‌ای را حفظ کرده است. از سوی دیگر، اگر جنگ ادامه یابد و حملات متقابل افزایش پیدا کند، خطر فرسایشی شدن بحران بیشتر خواهد شد. به همین دلیل، سفر محمدبن سلمان به قاهره و رایزنی درباره یمن، باب‌المندب و امنیت کشتیرانی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. برگزاری نشست اضطراری شورای امنیت درباره تحولات یمن و باب‌المندب نیز نشان می‌دهد بحران از سطح منازعه دوجانبه فراتر رفته است.

در نهایت، مشکل اصلی ریاض این است که پیروزی نظامی به‌تنهایی پایان جنگ را تضمین نمی‌کند. عربستان می‌تواند حملات هوایی را افزایش دهد، نیروهای نیابتی خود را تقویت کند و از حمایت اطلاعاتی آمریکا و حتی همکاری‌های منطقه‌ای بهره ببرد؛ اما تا زمانی که برای مسئله سیاسی یمن راه‌حلی پیدا نشود، توان انصارالله برای باز تولید فشار نظامی باقی خواهد ماند. از این منظر، ادامه جنگ بیش از آنکه یک مسیر روشن به سوی پیروزی باشد، می‌تواند به معادله‌ای پرهزینه تبدیل شود که هرچه طولانی‌تر شود، خروج از آن برای ریاض دشوارتر خواهد بود.